

تفکر انتقادی و تربیت اسلامی : وجوه افتراق و اشتراک

حسین کریمیان^۱

فائزه ناطقی^۲

محمد سیفی^۳

چکیده

هدف تحقیق، شناسایی وجوه افتراق و اشتراک تفکر انتقادی با تعلیم و تربیت اسلامی است و روش مطالعه توصیفی از نوع تحلیل اسنادی است. ابزار جمع آوری اطلاعات فیش برداری از منابع و اسناد مکتوب در تعلیم و تربیت اسلامی و تفکر انتقادی ب اساس مدل فاشیون است. تحلیل اطلاعات جمع آوری شده نشان داد : ۱- تحلیل ، تفسیر، ارزشیابی ، استنباط، توضیح و خود تنظیمی از وجوه اشتراک تفکر انتقادی با تعلیم و تربیت اسلامی است که مورد توجه و تاکید هردو قرار گرفته است. ۲- هدف تربیت اسلامی قرب الی الله، ولی تفکر انتقادی رشد مهارت‌های ذهنی است که از وجوه افتراق اساسی بین دو مقوله می‌باشد. ۳- باتوجه به دیدگاه تربیتی اسلام تفکر انتقادی یکی از اهداف تربیتی در راستای تحقق تعقل و سیر در آفاق و انفس و به عبارتی سیر الی الله است. ۴- باتوجه به تاکید اسلام مبنی بر عدم پذیرش امور بدون دلیل و برهان می‌توان استدلال کرد که تفکر انتقادی یکی از مبانی رشد اجتماعی و عقلانی در تربیت اسلامی است. ۵- تفکر انتقادی به عنوان مهمترین فرایند رشد و تحول عقلانی با رویکرد تربیت اسلامی کاملاً سازگاری دارد.

کلیدواژه‌ها

وجوه اشتراک، وجوه افتراق ، تربیت اسلامی ، تفکر انتقادی.

۱ - گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email: hosein.karimian46@yahoo.com

۲ - گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email:f-nateghi@iau-araak.ac.ir

۳ - گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email:Seifi ir 2000@yahoo.com

طرح مسأله

انسان مجموعه‌ای از استعدادهای بالقوه است که برای به فعلیت در آوردن این استعدادها و توانایی‌ها، نیازمند تعلیم و تربیت است. آنچه هدف تعلیم و تربیت اسلامی است حقیقت جوئی و حصول رستگاری است و این مساله جز از طریق تعلم و تعقل در کنار تزکیه حاصل نمی‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم؛ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/۵۶): جن و انس را جز برای پرستش نیافریدم «تا از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند» در تربیت اسلامی رشد عقلانی به موازات رشد اخلاقی صورت می‌گیرد و به تعبیری این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. همواره در کتب دینی و اخلاقی ما علم و اخلاق در کنار هم ذکر شده و مکتبی که بیشترین توجه را به فراگیری دانش داشته و هدف بعثت پیامبر خود را تکمیل مکارم اخلاق ذکر کرده است، مکتب اسلام است. از طرف دیگر عمده ترین روشی‌هایی که در اسلام برای درگیری ذهنی و فکری یادگیرنده مورد تاکید است روش مباحثه یا مناظره است که هدف آن افزایش آگاهی می‌باشد که تاثیر بسزایی در رشد تفکر انتقادی داشته و باعث تحکیم آموخته‌ها، یاد آوری مجدد، بروز استعدادها، انتقال و تعمیم مهارت و دانش آنها می‌گردد. بر این اساس به نظر می‌رسد یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش، تربیت شهروندان دارای تفکر انتقادی دانست که درصدد هستند وضعیت موجود را تغییر و آن را به آنچه از نظرشان آرمانی است، تبدیل کنند(حاجی آخوندی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی و خلاق در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست. چت مایرز مؤلف کتاب «آموزش تفکر انتقادی» معتقد است منشأ چنین علاقه ای به آکادمی افلاطون بر می‌گردد همچنین سقراط در ۲۵۰۰ سال پیش اهمیت پرسش سؤالات عمیق را که موجب می‌شوند انسان قبل از پذیرش ایده‌ای به تفکر در آن بپردازد و نیز اهمیت جستجوی شواهد، آزمایش دقیق، استدلال، فرضیه‌ها و تحلیل مفاهیم اساسی را نشان داد. روش او بهترین راهبرد آموزش تفکر انتقادی می‌باشد. روش سقراط به وسیله افلاطون و ارسطو دنبال شد او با روش خاص دیالکتیک (پرسش و پاسخ) جوانان آن را به تدبیر و تفکر فرا می‌خواند و بر این باور بود که آنها فرآیند اندیشیدن را بیاموزند(مایرز، ۱۹۸۶، ترجمه ایلی، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

در مکتب انسان ساز اسلام به بحث و نظر توجه خاصی شده است و بدون اجبار، انسان‌ها به تفکر انتقادی و انتخاب بهترین‌ها دعوت شده‌اند، بطوری که در قرآن کریم می‌خوانیم: «لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی...»(بقره/۲۵۶) یعنی: در قبول دین اکراهی نیست، راه درست از راه منحرف آشکار شده است بنابراین کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد به دستگیره محکمی دست زده است که گسستی برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.

درباره جمله «لا اکراه فی الدین» مفسران دو احتمال داده‌اند یکی این که جمله خبریه باشد، در این صورت از یک واقعیت تکوینی خبر می‌دهد و آن واقعیت این است که دینداری و ایمان بر باور و عشق و اعتقاد قلبی استوار است و اجبار و اکراه در امور قلبی و فکری نمی‌تواند نقشی داشته باشد. احتمال دوم این که هر چند در ظاهر، این جمله، جمله خبریه است اما مقصود از آن انشائیه است؛ یعنی نباید در دیندار کردن مردم به زور و اجبار متوسل شوید. به نظر می‌رسد که با توجه به تحلیل ذیل این جمله - راه هدایت از ضلالت و حق از باطل روشن شده است - این احتمال معقولتر و سازگارتر است. در هر دو صورت این آیه با وضوح تمام اعلام می‌کند که در اصل پذیرش دین اجبار و اکراه وجود ندارد.

تفکر انتقادی به شهروندان کمک می‌کند تا در مسائل عمومی، داوری هوشمندانه‌ای داشته باشند و بطور مردم سالارانه در حل مسائل اجتماعی سهیم گردند. جان دیویی مربی بزرگ تعلیم و تربیت ماهیت تفکر انتقادی را «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» تعریف می‌کند. او تفکر انتقادی را شامل بررسی فعال، پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش می‌داند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴).

یونیسف (۲۰۰۳) در آخرین تقسیم بندی خود، مهارت تصمیم گیری و تفکر انتقادی را یکی از مهارت‌های زندگی بر شمرده است. در جهان امروز هر انسانی برای درست زیستن نیازمند فراگیری درست فکر کردن می باشد. تفکر انتقادی در واقع به نقد و تحلیل کشیدن تأثیرات رسانه‌ها و همسالان، تحلیل نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات و عوامل تأثیرگذار بر آنها و شناسایی اطلاعات مرتبط و منابع اطلاعاتی است (کردنوقایی و پاشا شریفی، ۱۳۸۴).

در اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی، باید گفت که تفکر جوابگو یی و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود، دیگران و جامعه در زمان حال منجر می شود. فکر انتقادی در جامعه، افراد را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد و به آنها مهارت‌ها و توانایی‌هایی می‌بخشد تا بجای تقلید کورکورانه از الگوها و پذیرش بی‌چون و چرا والدین، معلمان، سیاستمداران و رسانه‌ها، بتوانند با تمسک به تفکر و اندیشه انتقادی در جستجوی حقیقت و دانایی باشند و هرگز از جستجوی حقیقت و کوشش برای درک پدیده‌های اجتماعی غفلت نورزند. در ارتباط با ضرورت آموزش تفکر انتقادی در کلاس درس تحقیق انجام شده نشان می‌دهد: صرفاً حفظ و انباشتن مطالب در ذهن نمی‌تواند ملاک عمل باشد، بلکه برای رشد تفکر انتقادی لازم است استادان چارچوب‌های مقتضی از جمله عادت دادن دانشجویان به خوب تامل کردن، خوب اندیشیدن، خوب گوش دادن و دیگر مهارت‌های لازم را به دانشجویان آموزش دهند (سلطان قرایی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰).

همچنین باید در نظر داشت که زندگی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و

چشم انداز روشنی، اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع‌آوری و ترکیب کنند و با یک داوری خوب، آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای ناممکن بپرهیزند. در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیم‌های اساسی نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی هستند. تفکر انتقادی با عنوان تفکری که قضاوت را آسان می‌کند، توصیف می‌شود زیرا بر معیار تکیه می‌کند، خودمصحح است و نسبت به متن حساس است (لیپمن ۱، ۱۹۹۸).

بر این اساس فرد باید بتواند تصمیم مهمی در زندگی بگیرد، قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد. مهارت‌های تفکر انتقادی به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا بتوانند در زندگی، اطلاعات پیرامون خود را پردازش نمایند، بطور عینی به استدلال و استخراج نتایج از انواع متنوع اطلاعات پرداخته و به طور مؤثر، عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات بپردازند و با وجود اطلاعات ناقص، تصمیم‌گیری معقول و مستدلی اتخاذ نمایند. در واقع خردمند هر کاری را به فرمان خرد و اندیشه انجام می‌دهد.

بطور کلی در زمینه ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می‌شود. تفکر انتقادی منطبق با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی است. تفکر انتقادی کاربردی کردن یادگیری یا یادگیری بر اساس فعالیت خود یادگیرنده مد نظر قرار می‌گیرد.

تفکر انتقادی برگرفته از اهداف تعلیم و تربیت است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰).

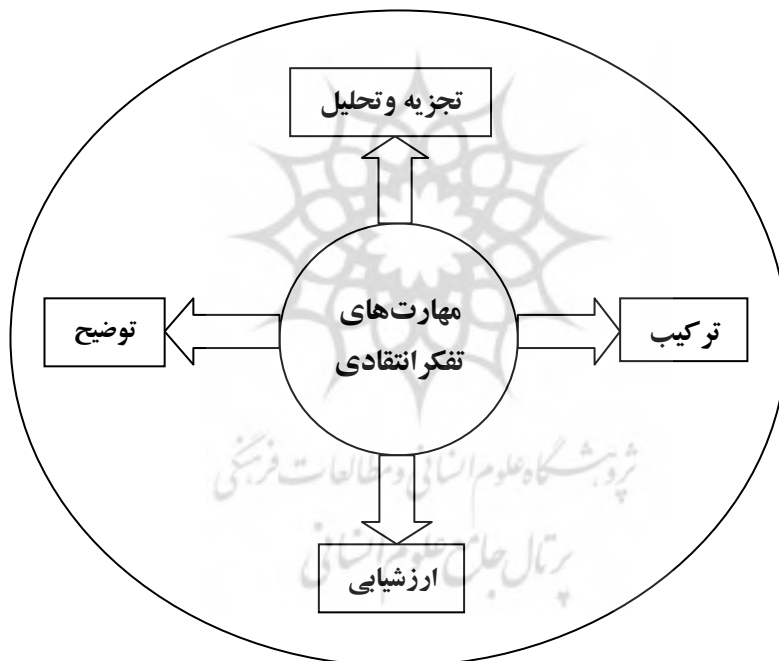
دین اسلام رکن اساسی و پایه اصلی خود را توحید قرار داده است، توحید بالاترین و عظیم‌ترین اندیشه‌ای است که به تفکر بشر رسیده، بسیار دقت و نازک کاری می‌خواهد، و از طرفی در اصول این دین و بالاخص در اصل اصول آن یعنی توحید، تقلید محکوم شده و تحقیق لازم شمرده شده، ناچار باید این دین، «تفکر» و «تدبیر» و «تحقیق و جستجو» را فرض بشمارد، و قسمت مهمی از آیات (کتاب) خود را به این موضوع اختصاص بدهد و همین کار را کرده است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷).

محمودی (۱۳۹۰) مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع)" با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده که تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع) بر اساس شاخصه‌هایی است که ایشان از تفکر انتقادی ارائه نموده‌اند و از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تدبیر، استدلال بر مبنای قضایای پیشین، خود سنجی، تفکر واگرا، پرسش‌گری، توجه به آراء مختلف، و توجه به شک و تردید راهبردی اشاره کرد.

محمدی (۱۳۹۴) مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی" انجام داده، یافته‌های پژوهش به تبیین مولفه‌های نه‌گانه‌ای برای تفکر انتقادی انجامید که عبارت است از: پرسش‌گری، قضاوت با معیار، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی و انعطاف‌پذیری. در نهایت، برای هر یک از مولفه‌ها، مصادیقی از قرآن کریم استخراج شد. نتایج پژوهش حاکی از تأکید قرآن کریم بر همه مولفه‌های تفکر انتقادی به ویژه مولفه پرسش‌گری است.

در این مقاله کوشش شده است تا دیدگاه اسلام با تفکر انتقادی بر اساس مدل فاشیون مورد مقایسه و تحقیق قرار گیرد.

مدل نظری تحقیق از دیدگاه فاشیون



در پژوهش حاضر مدل مفهومی تفکر انتقادی با توجه به دیدگاه فاشیون بوده که مهمترین مولفه‌های شناختی مهارت‌های تفکر انتقادی را شامل؛ تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح می‌داند (خلیلی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۵۹).
سوالات پژوهش عبارتند از:

۱- دیدگاه اسلام نسبت به تعلیم و تربیت بر مبنای تفکر انتقادی چیست؟

۲- تفکر انتقادی در اسلام از چه اهمیتی برخوردار است؟

۳- وجوه اشتراک تفکر انتقادی و تربیت اسلامی چیست؟

۴- وجوه افتراق تفکر انتقادی و تربیت اسلامی چیست؟

در این مقاله توجه خاص دیدگاه اسلام در تعلیم و تربیت و مقایسه آن با تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت پرداخته شده است. البته در تحقیقات مشابه بیشتر به ابعاد و جنبه های تفکر انتقادی با رویکرد اسلامی توجه شده است ولی در پژوهش حاضر بیشتر به وجوه افتراق و اشتراک و ابعاد تفکر انتقادی در تربیت اسلامی عنایت شده است که با توجه به بررسی های انجام شده متمایز از سایر تحقیقات بوده، می توان نتیجه گرفت که با این شکل و شمایل فاقد پیشینه قبلی است.

ادبیات تحقیق

تفکر بر وزن تفاعل از واژه فکر به معنی اندیشیدن است. فکر در لغت یعنی اندیشه، تأمل، اعمال نظر و تدبر، برای به دست آوردن واقعیات، عبرت‌ها و غیره (قرشی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۹). معنای اصطلاحی: «فکر یا اندیشه، اجرای عملیات عقلی در معلومات موجود برای دستیابی به مطلوب است (مظفر، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

(انیس^۱، ۱۹۸۵) تفکر انتقادی را به معنای: تفکر مستدل و تیزبینانه در باره این که چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم توصیف می کند. (نوریز^۲، ۱۹۸۵) تفکر انتقادی را تصمیم گیری عقلانی است در باره این که چه چیزی را باید باور کرد و چه چیزی را نباید باور کرد. (لیندزی، هال و تامسون^۳، ۱۹۸۷) تفکر انتقادی عبارت است از آزمون و بررسی قابلیت کارایی راه حل های پیشنهاد شده است. (سیمون و کاپلن^۴، ۱۹۸۹) تفکر انتقادی به معنای؛ صورت بندی استنتاج های منطقی است. (استل و استل^۵، ۱۹۹۱) تفکر انتقادی توسعه الگوهای استدلال منسجم و منطقی است. (چافی^۶، ۲۰۰۶) تفکر انتقادی فرآیند تفکر را با روش و قاعده کشف می کند که این نه تنها به معنای تعمق هدفمذانه است، بلکه آزمودن مدرک و منطقی است که ما و دیگران از آن استفاده می کنیم. (سیف، ۱۳۷۹، ص ۵۵۰) تفکر انتقادی یعنی؛ ارزیابی تصمیمات از راه بررسی منطقی و منظم مسایل و شواهد راه حل هاست. (اگن و کاوچاک،

1 - Robert H. Ennis

2 - Norris

3 - Lindsg & Hall & Thomson

4 - Simon & Caplan

5- Stel & Stel

6 - Chaffee

۲۰۱۰) تفکر انتقادی یعنی؛ توانایی و گرایش فرد برای سنجش نتایج امور و تصمیم گیری در باره آنها بر اساس شواهد. (سیف، ۱۳۹۱، ص ۴۰۴) تفکر انتقادی یعنی؛ داوری در باره صحت، اعتبار، و ارزش اطلاعات و استدلالهای ارایه شده.

انجمن فلسفه آمریکا که مورد توافق کلی قرار گرفته ارایه داده است که شامل مولفه های عاطفی و شناختی است؛ تفکر انتقادی قضاوت هدفمند و خود نظم دهنده ای است که به تعبیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط و همچنین تبیین ملاحظات موقعیتی، روش شناختی، ملاکی و مفهومی مبتنی است. متفکر انتقادی ایده آل کسی است که به صورت دایمی کنجگاو، آگاه، دقیق در قضاوت، ارزیابی کننده عینی و بدون سوگیری، تمایل به بررسی مجدد، روشن بینی مسایل جدی در یافتن اطلاعات مرتبط و منطقی در انتخاب معیارهاست.

لیپمن^۱ از صاحب نظران تفکر انتقادی معتقد است که؛ تفکر انتقادی نسبت به تفکر عادی، پیچیده تر است و مستلزم فرآیند های عالی ذهن و داوری بر اساس شواهد و مدارک است. بر این اساس، مشخص کردن و بیان کردن مسایل، جمع آوری اطلاعات، تحلیل پرسش ها، مشاهده و قضاوت در باره اعتبار یک منبع، سازمان دهی اطلاعات و نتیجه گیری و بررسی نتایج، همه فعالیت هایی هستند که در تفکر انتقادی رخ می دهند (لیپمن، ۱۹۹۸).

در زیر ویژگی های تفکر انتقادی و تفکر عادیه شکل مقایسه ای ارایه شده است.

جدول مقایسه تفکر عادی و تفکر انتقادی

تفکر انتقادی	تفکر عادی
تخمین زدن	حدس زدن
ارزشیابی کردن	ترجیح دادن
طبقه بندی	گروه بندی
فرض کردن	باور کردن
استنتاج منطقی	استنتاج
اصول درک شده	مفاهیم همخوان
توجه به روابط متقابل	توجه به ارتباطات
فرض کردن	تصور کردن
پیشنهاد با دلیل	پیشنهاد بدون دلیل
قضاوت با معیار	قضاوت بدون معیار

(عارفی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

ویژگی‌های تفکر انتقادی را پل شامل؛ هدف، طرح پرسش، اطلاعات، استنباط، پیش فرض ها، عواقب، نقطه نظرها و دیدگاه‌های گوناگون، انضباط ذهنی، رشادت ذهنی، همراهی ذهنی، استحکام فکری، پشتکار فکری، اطمینان در تفکر، خودگردانی ذهنی، تسلط بر خود محوری و قابلیت‌های استدلال اخلاقی می‌باشد (مکتبی فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

مهارت‌های تفکر انتقادی

تفکر انتقادی از نظر صاحب‌نظران مختلف دارای مهارت‌های مختلفی است در زیر ویژگی‌ها و مهارت‌های اصلی تفکر انتقادی که مورد تاکید اندیشمندان این حوزه است ارایه شده است.

- ۱- تفسیر؛ به معنی درک و بیان معانی مربوط به تجربیات متنوع است.
- ۲- تحلیل؛ به معنی تشخیص هدف مطالب و پی بردن به ارتباطات موجود در بین آنها می‌باشد.
- ۳- ارزشیابی؛ به معنی تعیین اعتبار مطالب و ارزیابی نحوه ارتباطات بین آنها می‌باشد.
- ۴- استنباط؛ به معنی توانایی نتیجه‌گیری از مطالب می‌باشد.
- ۵- توضیح؛ به معنی موجه‌نمایی و بیان نتایج استدلال فرد است.
- ۶- خود تنظیمی؛ به معنی اصلاح و بازبینی تفکرات خود بر اساس مطالب مورد بررسی می‌باشد.

این مهارتها در گذشته و به طور معمول تحت عناوین استدلال استقرایی و قیاسی دسته بندی می شدند، استدلال استقرایی به معنی استخراج نتیجه بر اساس دلایل منطقی است و استدلالهای قیاسی به عنوان نتیجه‌گیری بر اساس یک استنباط یا اصل کلی می‌باشد (خلیلی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

از نظر نیدلر (۱۹۸۴)؛ مهارت‌های تفکر انتقادی عبارتند از؛ ۱) مهارت تعریف و شفاف سازی مسئله ۲) مهارت قضاوت درباره اطلاعات مربوط به مسئله ۳) مهارت حل مسئله و استخراج نتایج (ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶).

تفکر انتقادی سطوح

تفکر انتقادی دارای سطوح زیر است؛

الف) سطح پایه تفکر انتقادی؛ در این سطح، یادگیرنده با حس اعتمادی که به تخصص خود دارد، برای هر مشکل پاسخ و راه حل درستی ارائه می‌دهد. در این سطح، تفکر با توجه به واقعیات، اصول و یا قوانین پایه است.

ب) سطح پیچیده تفکر انتقادی؛ در سطح پیچیده، فرد جدا شدن از منابع هدایت کننده را آغاز و با تحلیل و آزمایش شیوه‌های دیگر، به طور مستقل تفکر می‌کند.

ج) **سطح تعهد تفکر انتقادی**؛ در این سطح، یادگیرنده انتخاب راه حل بدون کمک گرفتن از دیگران را به صورت نیاز احساس می کند و خود را به پاسخگویی به دیگران ملزم می بیند یادگیرنده مجهز به تفکر انتقادی، به مهارتهایی دست می یابد که می تواند در فرایند آموزش و یادگیری به شیوه صحیحی قضاوت، تصمیم گیری و ارزشیابی کند (فرخ مهر، ۱۳۸۴).

موانع تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت

رسالت و هدف اصلی تعلیم و تربیت، آموزش و توسعه تفکر انتقادی و بارآوردن افرادی است که بتوانند تفکر کنند و به ماحصل تفکر دیگران اکتفا نکنند؛ یعنی پرورش افرادی که مایل به تحقیق و بررسی هستند نه کسانی که صرفاً پذیرای آن چه گفته می شود (کدیور، ۱۳۸۱). بر این اساس تعلیم و تربیت با موانع مختلفی در بین دانش آموزان روبرو است که در زیر به مواردی پرداخته شده است؛

- ۱- فقدان برنامه درسی مشخص برای رشد و آموزش مهارتهای تفکر انتقادی در برنامه درسی؛
- ۲- فقدان اطلاع رسانی و ایجاد انگیزه برای جلب توجه دانش آموزان و معلمان به کارکردها و اهمیت تفکر انتقادی؛
- ۳- توجه ناکافی معلمان به روش های تدریس متناسب با الزامات تفکر انتقادی؛
- ۴- توجه ناکافی به جهت دهی برنامه درسی دانش آموزان در راستای ویژگی ها و الزامات تفکر انتقادی از قبیل: پرسش گری، تفکر، فرضیه سازی و غیره؛
- ۵- توجه ناکافی به نظریه ها و یادگیری متناسب با تفکر انتقادی در تدوین برنامه ها و روش های آموزشی؛ مطرح شده است که جای تامل دارد (عارفی و رضایی زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۹).
- ۶- یکی از موانع بنیادین برای تفکر انتقادی، «تک سبب بینی» است. این مانع به آن معناست که انسانها از آن جایی که انسان هستند نمی توانند همه عوامل دخیل در پدیده ای را تشخیص دهند و معمولاً بر یک عامل متمرکز می شوند. تک سبب بینی نه تنها توصیف ناقص ارائه می دهد، بلکه راه حل ها و جواب ها را نیز در محدوده تنگ و بسته نگاه می دارد و باعث می شود تا از عوامل دیگر غفلت شود.
- ۷- از موانع دیگر تأکید بیش از اندازه به حافظه است؛ در حالی که حافظه افراد با وجود اهمیتی که دارد، به هیچ عنوان قابل اعتماد نیست و تکیه بیش از اندازه به آن، به رواج گونه ای فرهنگ شفاهی نادرست دامن می زند.
- ۸- موانع جسمی و احساسی همچون؛ خستگی، ترس، اضطراب، وحشت و بی میلی نیز از جمله عواملی هستند که باعث می شوند تفکر انتقادی مسیر طبیعی خود را طی نکند.

۹- فقدان جسارت و ایجاد فضایی واهمه آمیز هم از موانع روان شناختی و جامعه شناختی تفکر انتقادی می باشد.

۱۰- از عوامل اجتماعی که جلوی تفکر را می گیرد، عدم امنیت لازم برای ارائه دیدگاه های مختلف است. این مانع از جمله موانعی است که خاستگاه اجتماعی دارد و با آن نمی توان تفکری جدی را سامان داد.

۱۱- تأکید و تکیه بیش از اندازه بر احساسات هم می تواند سد راه تفکر سالم و غنی باشد. تفکر به احساس نیاز دارد. بدون شور و شوق جدی برای آموختن و رسیدن به حقیقت، تفکر و اندیشه ای سامان نمی گیرد. با این همه، احساسات مختلف می توانند به جای آن که به تفکر و استدلال کمک کنند، در نقش مانعی برای آن وارد شوند. مانند فردی که در جریان یک گفت و گو، طرف دیگر را تهدید کند. در چنین وضعیتی، فرد جلوی تفکر سالم سد ایجاد کرده است، یا تحریک حس دل سوزی و شفقت بی جهت می تواند جلوی تفکر سالم را بگیرد (کاو، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

۱۲- وجود یادگیری به عنوان جریانی یک سویه و تأکید بر انتقال دانش در نظام های آموزشی مانعی جهت پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان است. امروزه سخنرانی به عنوان روش غالب در بسیاری از مراکز آموزشی باعث ترویج سبک انفعالی تعلیم و تربیت می شود که در آن تفکر انتقادی یا فقط به طور ضمنی آموزش داده می شود و یا هرگز یاد داده نمی شود.

۱۳- در نظام های آموزشی، سلسله مراتب اداری و آیین نامه ها تقویت و پرورش تفکر انتقادی را محدود می کند و موقعیتهای به دست آمده برای فراخ اندیشی و چالش را از بین می برد. تا زمانی که نمره دادن عامل اقتدار معلمان است، نمی توان انتظار داشت که زمینه رشد تفکر انتقادی در کلاس درس فراهم شود (شعبانی، ۱۳۷۹).

وایتهد^۱ با کلام معروف خود که: «یادگیری شاگردان بی فایده است مگر این که کتاب های خود را گم کنند، جزوات خود را بسوزانند» تلویحاً به این معنا اشاره دارد که ثمره واقعی تعلیم و تربیت باید یک فرایند فکری باشد که از مطالعه یک رشته بوجود می آید نه از طریق اطلاعات جمع آوری شده (مایرز، ۱۹۸۶، ترجمه ایلی، ۱۳۸۶، ص ۸).

البته باید در نظر داشت که توانایی و مهارتهای تفکر انتقادی دانش آموزان در طی تحصیل بدون کمک معلم و صرفاً با گوش دادن به سخنرانی ها و خواندن کتب درسی و امتحان دادن توسعه نمی یابد. معلمان باید بطور واضح هدف از تفکر انتقادی را مشخص نموده و فرصت هایی را برای تمرین مهارتها و روشهای تفکر انتقادی برای دانش آموزان تدارک ببینند به عبارت

دیگر تنها انتقال اطلاعات برای اندیشیدن و تفکر کافی نیست بلکه باید شرایط اندیشیدن فراهم شود و با اندیشیدن به شناخت و باور برسند معلمان باید دائماً دانش آموزان را در برابر مسایل و موقعیتهای مختلف قرار دهند و آنان را به تلاش ذهنی وادار نمایند و موقعیت آموزشی را طوری فراهم نمایند که دانش آموزان خود را در فعالیتهای آموزشی و یادگیری سهیم و دخیل بدانند. کانت معتقد بود که اساس معرفت عبارت است از نظم بخشیدن به اطلاعاتی که از راه حواس گردآوری می‌شوند، پس منظور از تدریس تنها ارائه اطلاعات به شاگرد نیست بلکه مقصود از آن یاری به شاگرد است تا اطلاعات را کلیت بخشیده و با معنا سازد. معلم باید ذهن شاگرد را برانگیزد تا تصورات موجود در ذهن وی زنده شود (نقیب زاده، ۱۳۶۴، ص ۱۴۱).

۱۴- فقدان نگرش مثبت نسبت به تفکر انتقادی در بین متولیان و مربیان تعلیم و تربیت و دشواریهای آموزش موجود به جهت عادت در شیوه های تدریس و معلم محوری بشکل سخنرانی و ارائه محتوا بصورت یک طرفه، همچنین عدم پذیرش انتقاد و نقد سازنده فراگیران توسط مربیان و پایین بودن آستانه تحمل برای انتقادات که گاهها " جزء فرهنگ آموخته شده آنان تلقی شده و جزء جدایی ناپذیر فرآیند تعلیم و تربیت محسوب می شود و فقدان انگیزه در فراگیران برای ارائه نقطه نظرات و انتقادات و پیشداوری در خصوص نتایج انتقادات در بین فراگیران و غیر فعال بودن فرایند یاددهی ° یاگیری از موانع جدی توسعه تفکر انتقادی است. در زیر بخشی از مهمترین موانع تفکر انتقادی در سیستم آموزشی ارائه شده است:

الف) انگیزه: تا زمانی که شاگردان انگیزه ای برای به کار گیری تفکر انتقادی نداشته باشند، تعلیم چارچوبی برای تجزیه و تحلیل، کاری عبث خواهد بود. شاگردان باید به اتفاق معلمان خود فعالانه با مسائل و مشکلات واقعی در ستیز باشند. پرداختن به جنبه های علمی و رفتاری تفکر انتقادی بهتر از موعظه و سخنرانی درباره آن است.

ب) نگرش و دید کنونی افراد: افراد مختلف اعم از شاگردان و دانشجوین همانند لوحه هایی عاری از نوشته و صرفاً برای پذیرش عقاید معلمین وارد محیط آموزشی نمی شوند. آنها از دوران کودکی بینش، طرز تفکر و روشهای حل مسأله خود را تنظیم کرده اند. فراگیری تفکر انتقادی شامل توسعه فرایندهای فکری از طریق سیر به ماورای نگرشها و تصورات خود محور و تجربه حسی است و معلمان نقش اساسی در توسعه این فرایند دارند.

ج) انتقال از تجربه عینی به امور انتزاعی: یکی از مشکلات دشوار در آموزش تفکر انتقادی چگونگی کمک به شاگردان در فاصله گرفتن از عقاید و ارزشهای خود است، تا از

این طریق قادر باشند انواع انتزاعی تر تصور را به کار گیرند. در انتقال تفکر عینی به انتزاعی نکته مهم، ترتیب آن است: اول تجربه عینی و بعد انتزاعی ولی روش‌های آموزش سنتی بر عکس است.

د) پرورش علاقه در افراد: بدون علاقه، رشد فکری امکان نخواهد داشت و علاقه

جزء لاینفک توجه و درک کردن است. برخی از روش‌های تشویق علاقه: الف) طرح مسائل تعجب آور و سؤال برانگیز، ب) استعاره و تمثیل، ج) پرسش و پاسخ است.

ه) رشد تدریجی مهارتها: شاگردان باید به تمرین تفکر انتقادی بپردازند. برای این

کار شاگردان باید با عملیات ساده‌ای چون خلاصه کردن، شناخت مسائل اساسی و مفاهیم کلیدی و یادگیری پرسش مناسب شروع کنند، سپس می‌توانند به مهارتهای پیچیده تری چون شناخت فرضیات و ایجاد و نقد مباحث بپردازند. فراگیری تفکر انتقادی همانند رشد دیگر تواناییهای فرد است و باید برای تسلط بیشتر پیوسته در سطوح پیچیده آن را تمرین کرد. آنها باید به این مساله پی ببرند که درگیر موضوعات واقعی اند نه اینکه صرفاً لحظات فکری را می‌گذرانند.

و) عدم وجود جو اعتماد و حمایت: در تدریس هر عملی حمایت و تشویق به اندازه

تهیه محتوای درس یا ایجاد چارچوبهای تجزیه و تحلیل در شاگردان اهمیت دارد (مایرز، ۱۹۸۶، ترجمه ابیلی، ۱۳۸۶).

تفکر انتقادی در اسلام

همواره خرد و خرد ورزی از جایگاهی خاص در تعالیم اسلام برخوردار بوده است. بیان اهمیت جایگاه خرد و خرد ورزی در قالب (۳۰۰) آیه در قرآن خود دلیلی آشکار بر این مدعاست. مسلمانان چنین تاکید و اهمیتی در مکتب شیعه دوچندان می‌شود هنگامی که معتبرترین کتب حدیثی این مکتب همچون اصول کافی و بحارالانوار، باب‌های نخستین خود را به «باب‌العقل و الجهل» و «فضل العلم» اختصاص داده‌اند و سپس به بحث پیرامون اصول دین می‌پردازند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «فکره ساعه خیر من عبادة ستین سنه: ساعتی اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردن است.» در آموزه‌های دینی، واژه‌های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، توأسی به حق، دعوت به خیر، و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه‌ای، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می‌کنند.

مهارت تفکر انتقادی مخصوص انسانهای باهوش و دارای حکمت الهی است که فکری نقادانه دارند و هیچ نظر و عقیده ای را بدون نقد و بررسی نمی پذیرند، همچون حضرت ابراهیم (ع) که از قوم خودش به جهت پرستش معبودانی بی خاصیت انتقاد کرد و چه زیبا و محترمانه انتقاد می کند آنجا که می فرماید: چرا چیزی را که نه می شنود و نه می بیند و نه هیچ نیازی از تو بر می آورد، می پرستید؟ ای مردم مرا دانشی داده اند، پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم (مریم ۴۲ و ۴۳) آری اگر پیامبران و اولیاء الهی را الگوی خویش قرار دهیم از آن ها خواهیم آموخت که طوطی وار همه چیز را نپذیریم بلکه مورد نقد و بررسی قرار دهیم و با معیار های الهی بسنجیم اگر با آن همخوانی داشت پذیرفته و بدان عمل نماییم (انبیا، ۲۱). قرآن کریم در جایگاه کتاب آسمانی دین اسلام می فرماید: «فیشربعابد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدئهم الله و اولئک هم اولوالالباب» (زمر، ۱۷)؛ بندگانم را بشارت ده، آنان که چون سخنی بشنوند به نیکوترین وجه عمل کنند، آنان هستند که خداوند به لطف خاص خود هدایتشان فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمانند. این آیه شریفه دارای چند نکته است:

۱- خداوند متعال، کلام را با لفظ «عبادی» آغاز کرده، گویی خواسته است بفرماید که بنده من چنین است و باید دارای این صفت باشد.

۲- آیه شریفه، صریحاً بر استقلال قوه عقل و تفکر انتقادی تأکید و آن را در حکم غربال و وسیله هدایت معرفی می کند.

می فرماید و نگاه این «هدایت عقلی» را هدایت الهی بر می شمارد. ۳- قرآن کریم در این آیه تعبیر و تشبیه قرآن نکته ظریف و لطیفی را به کار برده است؛ هر جا - و به خصوص در این آیه - که می خواهد از حقایق پشت پرده ظواهر سخنی بیابورد، تعبیر «اولوالالباب» را به کار می برد و می فرماید که «تنها اولوالالباب، این حقیقت را درمی یابند»، و این از اصطلاحات خاص قرآنی است و در هیچ جای دیگر به کار نرفته و آن هم فقط و فقط درباره «عقل» استعمال شده است.

۴- فرد عاقل کسی است که با تکیه بر نیروی عقلانی خود، قدرت تجزیه و تحلیل دارد. واژگان تعقل و تفکر گرچه مترادف نیستند، اما مرتبطاند. امام کاظم (ع) می فرماید: «إن لكل شیءٍ دليلاً و دليل العقل التّفکر» (کلینی، ج ۱، ص ۱۲). برای هر چیز نشانه ای است و نشانه عقل، تفکر است. طبق این معنا، تعقل بدون تفکر محقق نمی شود، اما عکس آن صادق نیست؛ یعنی تفکر ممکن است تخیلی، توهمی و غیر تعقلی باشد. خلاق و انتقادی بودن از صفات تفکر است، ولی به دلیل تلازم تفکر با تعقل، به نظر می رسد اتصاف عقلانیت نیز به این دو صفت صحیح است. قرآن افزون بر آن که انسان را به تفکر فرا می خواند، منابع تفکر را نیز به او ارایه می دهد تا بدین وسیله، سرمایه فکری انسان را در مسیری هدایت نماید که برای او سودمند

باشد. بررسی دقیق آیات این نکته را به دنبال خواهد داشت که در نگاه قرآن، منابع تفکر در سه منبع خلاصه می‌گردد: عالم آفاقی (جهان طبیعت)، عالم انفسی (جهان انسانی)، عالم تاریخ (جهان تاریخ) (طباطبایی، ۱۴۰۷، ج ۳، ۸۸).

بایسته است که مومن دقیق‌النظر و ریز بین باشد، سخن جز به استواری نگوید، برگمان بی وجه خود استناد نکند، در بررسی مسائل و جهت گیری ها جانب تقوا و عدالت را فرونگذارد، گوش دهد بیش از آن که بیان کند، و برای فهم و عمل به بهترین ها مجاهدت نماید، کلامش متین، نرم، و با دلیل باشد، با هر تصمیم تفکر نماید و در هر عمل عاقبت امور را در نظر آورد، ژرف نگر باشد، ظاهری فریبده او را متوقف نسازد و از ریشه یابی و تفقه در امور باز نماند، بیشترین عبادت اش تفکر، و دانش های اکتسابی، را بی بهره از دانش های طبیعی و سرشتی اش، فرا نگیرد، بررسی گفته را (ما قول) را بر گوینده (من قول)، برتری ندهد، و آن جا که مقام بررسی دلایل است، حق را از اهل باطل پذیرفته و باطل را از اهل حق نپذیرد، و نقاب از صورت باطلی که لباس حق پوشیده است، برنماید. آشکارا، حق را آشکار نماید و مدال بشارت عباد الرحمن و مقیمان خوب شنوا را، از کلام وزین الهی دریافت نماید.

وجوه افتراق و اشتراک تفکر انتقادی و تربیت اسلامی (الف) وجوه اشتراک

با عنایت به مطالب عنوان شده می توان نتیجه گرفت که بین دیدگاه محققان و دیدگاه اسلام در زمینه تفکر انتقادی، تشابهات و تفاوت‌هایی وجود دارد که از تشابهات می توان به این مطالب اشاره نمود:

۱- رشد تفکر انتقادی، آموزش و پرورش آن که متخصصان به آن پرداخته اند مد نظر اسلام نیز می باشد. در اسلام نیز روش های مباحثه و مناظره در جهت رشد تفکر انتقادی در آموزه های تربیتی مورد توجه خاص قرار دارد. خرد ورزی، استنباط، استدلال، انتخاب بهترین ها، اندیشیدن، تعقل، تفکر همه به معنای آن است که انسانها در مکتب اسلام بایستی با عقلانیت به مسایل پرداخته و از تبعیت کورکورانه از دیگران پرهیز نمایند. اسلام حتی در اصول دین بیان می کند که هر شخصی خود باید در این زمینه به یقین برسد و تقلید در اصول دین جایز نیست. انسان موجودی است مختار و انتخابگر، یعنی در پرتو قوه عقل پس از بررسی جوانب مختلف فعل، انجام یا ترک آن را برمی‌گزیند. قرآن کریم می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان، ۳): ما راه را به او نشان داده‌ایم، او یا سپاسگزار است و یا کفران کننده. نیز می‌فرماید: «وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» (کهف، ۲۹): بگو حق از

جانب پروردگارتان نازل گردیده است. پس هر کس می‌خواهد ایمان آورد و هر کس می‌خواهد کفر ورزد. رشد قوه قضاوت صحیح، مشاهده دقیق، تفسیر، تحلیل، استنباط که از مهارت‌های تفکر انتقادی است به حدی در اسلام مورد عنایت قرار دارد که یک ساعت فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت می‌باشد، لذا تاکید اسلام بر مهارت‌های تفکر انتقادی قابل توجه است.

۲- اسلام نقد سازنده را می‌پذیرد و توصیه به انسانها می‌نماید که مومن آینه مومن است، یعنی هر فردی عیب و ایرادی دارد و بی عیب خداست، لذا شایسته است که انسانها همانند آینه یکدیگر باشند و عیب‌های همدیگر را در جهت رفع آن به یکدیگر گوش زد نموده و با نیت خیر خواهی در رفع نقایص کوشش نمایند.

۳- از وجوه تشابه دیگر این که هم در تفکر انتقادی و هم در دیدگاه اسلام توأم بودن دانش و عمل است. نگرش اسلام نیز هم به جنبه نظری و هم به جنبه عملی آن است. در متون اسلامی در کنار بهره‌گیری از استدلال عقلی، نقش تجربه مهم توصیف شده است. همواره علم فاقد عمل مورد ذم واقع شده و چنین علمی به درختی فاقد میوه تشبیه شده است «العلم بلاعمل کشجره بلاثمر». در عین حال راه گریز از سقوط و تباهی، بنای امور بر پایه تجربیات در نظر گرفته شده است، چنان که حضرت علی می‌فرماید: «هر کس که کار خود را بر پایه محکم تجربیات بنا نهد از سقوط و تباهی به سلامت می‌ماند.»

ب) وجوه افتراق

۱- در اسلام تفکر جهت دار است ولی در تفکر انتقادی جهتی بر آن تصور نیست در اسلام قرب الی الله است.

۲- در اسلام تقلید در اصول جایز نیست و فرد خود باید به این شناخت دست یابد در صورتیکه در تفکر انتقادی مینا آموزش است.

۳- هدف اصلی از پرورش تفکر انتقادی از نظر متخصصان بار آوردن انسانهایی است که صرفاً پذیرای نظر دیگران نباشند و خود دست به تحقیق و بررسی بزنند، گر چه این مساله مورد توجه اسلام هست ولی هدف اصلی در اسلام پرورش انسانهایی است که در جهت قرب الی الله بی دلیل چیزی را نپذیرند و تفکر انتقادی خود را با هدف نزدیک شدن به حق تعالی رشد دهند نه در جهت مادیات و بدست آوردن ارزش‌های صرفاً دنیوی، زیرا خداوند موهبتی بنام عقل به انسان داده است تا خیر را از شر تشخیص دهد و راه سعادت و رستگاری را پیشه خود سازد، لذا در اسلام هر تفکری ممدوح و مقبول نیست و سعادت انسان را تامین نمی‌کند، بلکه تنها اندیشه

ای که انسان را به قرب الهی برساند، سعادت او را فراهم می‌کند و عبادت شمرده می‌شود. ۴- از تفاوت‌های دیگر تفکر انتقادی و دیدگاه اسلام این است که تربیت شهروندانی با رشد عقلی و تفکر انتقادی با مبانی دموکراسی مد نظر دیدگاه تفکر انتقادی است ولی در اسلام نگاه به این دارد که انسانها آزادانه و با اختیار انتخابگر باشد و امور را مورد نقد و بررسی قرار دهند ولی مبانی آن بر اساس آن چه که شرع مقدس اسلام می‌گوید می‌باشد، لذا تفکر انتقادی در جهت سعادت و هدایت انسان می‌باشد که در راستای تهذیب و تزکیه نفس می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تفکر انتقادی یکی از مهمترین ابعاد تربیتی در مکاتب مختلف و بویژه تربیت اسلامی است که از طریق رشد عقلانی و اجتماعی زمینه را برای پرورش انسانهایی برخوردار از اندیشه و قدرت رد یا قبول اندیشه‌ها مهیا می‌نماید البته انسان‌ها با قدرت اندیشه انتقادی به دنیا نمی‌آیند، و این قابلیت را به طور طبیعی نیز ماورای اندازه‌ای که برای زنده ماندن نیاز دارند، کسب نمی‌کند. بسیاری از انسان‌ها هیچ‌گاه آن را یاد نمی‌گیرند. این روش به سادگی توسط والدین و آموزگاران معمولی قابل آموزش به دانش‌آموزان نیست؛ بلکه به مربیان ویژه‌ای برای آموزش مهارت‌های اندیشه انتقادی نیاز دارد بعبارت دیگر رشد تفکر انتقادی مستلزم تعلیم و تربیت است. ایجاد محیط‌های درسی که باعث تشویق بحث، پرسش و تعمیق می‌شود، تفکر انتقادی را پرورش و رشد می‌دهند. چنین محیط‌هایی را می‌توان تا حدی از طریق تنظیم وقت کلاس که شامل بحث بیشتر باشد و با طرح تکالیف نوشتاری صریح و اثربخش ایجاد کرد. تلفیق مطالب خواندنی نیز که باعث توسعه و رشد علاقه دانش‌آموزان می‌شود، اهمیت دارد.

نتایج تحقیق حاضر باهدف شناسایی وجوه افتراق و اشتراک تفکر انتقادی و تربیت اسلامی نشان داد:

۱- بررسی بیانگر این است که اسلام اهمیت خاصی به تفکر و تعقل و به ویژه تفکر انتقادی داده است. در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که انسان‌ها را به اندیشه و تعقل فراخوانده است، و در بسیاری از آیات، متفکران، اندیشه‌وران و آنان که در مقام فهم واقعیات و شکل‌گیری از آن واقعیات هستند را به بهترین صورت، تمجید کرده است و آنان را که از حقیقت‌گریزانند، سخت مورد نکوهش قرار داده است.

۲- در مکتب اسلام هدف از خلقت انسان قرب الی الله می‌باشد که یکی از راه‌های نزدیکی به خداوند تفکر و تدبیر در نظام هستی است. بنا بر این اسلام انسانها را تشویق به تفکر

و تعقل نموده که بی دلیل چیزی را نپذیرند و صرفاً مقلد نباشند بلکه خود به تفکر انتقادی پرداخته و بهترین را انتخاب نمایند. این نوع تفکر هم در جهت حق تعالی بایستی هدایت شود، نه تفکری که انسان را به راه نادرست هدایت کند، لذا تفکری که صرفاً در جهت مادیگرایی باشد از نظر اسلام ممدوح نیست بلکه تفکر انتقادیی مقبول است که انسان را در مسیر الی الله قرار داده و باعث یقین گردد و انسان را از ظن و گمان دور نموده و به حقیقت برساند.

۳- تقلید کورکورانه، پیروی بی دلیل از گذشتگان، عدم تامل و تفکر در امور، پذیرفتن بدون استدلال و یقین حتی در اصول دین مورد توجه ویژه قرار گرفته است، لذا شایسته است در تعلیم و تربیت جهت رشد و پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان به این آموزه های دینی توجه خاصی مبذول نمود.

۴- از فرایندهای مهم رشد عقلانی^۵ اجتماعی که می تواند باعث تحول فکری در انسانها گردد، تفکر انتقادی است که در تعلیم و تربیت اسلامی به منظور رسیدن انسان به یقین و دوری از شک و تردید مورد عنایت خاص قرار گرفته است و پذیرفتن امور بدون دلیل سخت مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است.

فهرست منابع

۱. حاجی آخوندی، زهرا، (۱۳۸۸). نظریه برنامه درسی آموزش و پرورش انتقادی با تأکید بر آرای پائولو فریره. رساله کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد تهران.
۲. خلیلی، حسین و همکاران. (۱۳۸۲). مقایسه تاثیر دو روش آموزش کلاسیک مبتنی بر استراتژی های تفکر انتقادی بر یادگیری پایدار دانشجویان پرستاری، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، جلد ۵.
۳. سلطان قرایی، خلیل، سلیمان نژاد، اکبر. (۱۳۸۷). تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۳(۶)، ۱۸۱-۱۹۵.
۴. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۱). روانشناسی پرورشی نوین، تهران، انتشارات دوران.
۵. شعبانی، حسن، مهر محمدی، محمود. (۱۳۷۹). پرورش تفکر انتقادی با استفاده از آموزش مساله محور، مجله مدرس، ۴(۱)، ۱۱۵-۱۲۵.
۶. طباطبایی بروجردی، حسین. (۱۴۰۷). جامع احادیث شیعه، قم.
۷. عارفی، محبوبه، رضایی زاده، مرتضی. (۱۳۹۰). مروری بر نقش و جایگاه برنامه درسی دانشگاهی در رشد تفکر انتقادی دانشجویان، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۲(۳)، ۴۲-۶۲.
۸. فرخ مهر، حسین. (۱۳۸۴). پرورش تفکر در کلاس درس، تهران، انتشارات نوآور.
۹. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۶۱). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی (جلد اول)، تهران، نشر جامعه شناسان.
۱۱. کدیور، پروین. (۱۳۸۱). روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات آگاه.
۱۲. کرد نوقایی، رسول، پاشا شریفی، حسن. (۱۳۸۴). تهیه و تدوین برنامه درسی مهارت های زندگی برای دانش آموزان دوره تحصیلی متوسطه، تهران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۲، ۸۴.
۱۳. لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۴). روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. مایرز، چت. (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایلی، تهران، سمت.
۱۵. محمدی، فرامرز. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی، دو فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۲(۳).
۱۶. محمدی، ایوب. (۱۳۹۰). ویژگیها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (ع)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۳.
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا.
۱۸. مظفر، محمد رضا. (۱۳۸۲). المنطق، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالعلم.
۱۹. مکتبی فرد، لیلا. (۱۳۸۹). سیر تحول و شکل گیری مهارتهای تفکر انتقادی در داستان های

- تالیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان، مجله مطالعات فرهنگی، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۴.
۲۰. ملکی، حسن، حبیبی پور، مجید. (۱۳۸۶). پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۶(۱۹)، ۹۳-۱۰۸.
۲۱. نقیب زاده، میر عبد الحسین. (۱۳۶۴). فلسفه کانت بیداری از خواب دگماتیسم، چاپ اول، تهران، آگاه.
۲۲. هاشمیان نژاد، فریده. (۱۳۸۰). ارائه چهارچوب نظری درخصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی، رساله دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
23. -Chaffee.John.(2006).Teaching Critical Thinking across the Curriculum. new Directions for Community Colleges. volume 1992 Issue34.
24. -Cottrell's.(2011).Critical Thinking Skills: Developing effective analysis and gument.NY: Palgrave Macmillan.
25. -Curtis.f..Rudd.T.Gallo.R..Eckhrt.M..Ricketts.E.(2008).Overtly Teaching Critical Thinking and Inquiry-based learning:A Comparison of two undergraduate biotechnology Classes.Journal of Agricultural Education.49(1):72-84.
26. - Facion PA. Facion NC. The California critical thinking skills test: form A and form B test manual. Millbrae. CA: California Academic Press; 1993.
27. -Fisher. Alec.(2005). Critical Thinking: an introduction. United Kingdom: Cambridge University Press.
28. -Fowler.(2008).the ethical Practice of Critical Thinking. Carolina academic.
29. -Lipman.M.(1998).Critical Thinking: what it can be? Educational Leadership.46(1).38-43.
30. -Meyers.Chet.(1986).Teaching Students to thinking Critically. Sanfrancisco. Jossey-bass publisher.
31. -Paul.r.(2005).The state of Critical Thinking today. New directions for community colleges.130.27- 40.